



أَيْنَ دَهَبْتِ؟ دَهَبْتُ إِلَى السُّوقِ.

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

به بازار رفتم.

کجا رفتی؟

## المُعْجَم: واژه‌نامه (۲۸ کلمه)

اَحَدًا: گرفت، برداشت = رَفَع	دَكَّرَ: یاد کرد	صَدِيقَاتِي: دوستانم «مؤنث»	كَتَبَ: نوشت
اِشْتَرَيْتُ: خریدم	دَهَبَ: رفت	عِبَادَةٌ: چادر	لَا فَرْقَ: فرقی نیست
اِشْتَرَيْتُ: خریدی «مذکر»	دَهَبْتُ: رفتم	عَلِمَ: پرچم <b>ج مکسر: أعلام</b>	كَلِمَاتٌ: تو «مؤنث»
اِشْتَرَيْتُ: خریدی «مؤنث»	دَهَبْتُ: رفتی «مذکر»	عَسَلٌ: شُست	صَدِيقَتُكَ: دوست
أَصْدِقَائِي: دوستانم «مذکر»	دَهَبْتُ: رفتی «مؤنث»	فُسْتَانٌ: پیراهن زنانه	لِكِنِّ: ولی
أَكَلَ: خورد	رِسَالَةٌ: نامه	قَرَأَ: خواند	لِمَاذَا: چرا، برای چه
أَلْفٌ: هزار	رَفَعَ: بالا بُرد، برداشت	قَرَأَتْ: خواندی «مذکر»	مَبْرُوكٌ: مبارک
أُمٌّ: یا <b>کلمه مشابه: أُم: مادر</b>	شَلْوَارِيزُ: شلوار	قَرَأْتُ: خواندم	مَلْبَسٌ: مَفْرَد: ملبَس
تَفَاحٌ، تَفَاحَةٌ: سیب	سُوقٌ: بازار	قَمِيصٌ: پیراهن	وَحَدِّكَ: تو به تنهایی «مذکر»
	شُكْرًا جَزِيلًا: بسیار متشکرم	كَانَ، كَانَتْ: بود	وَحَدِّكَ: تو به تنهایی «مؤنث»

### فعل ماضی

**تعریف فعل:** فعل کلمه ای است که بر انجام دادن کاری یا روی دادن حالتی در زمان های گذشته، حال و آینده دلالت می کند.

**فعل ماضی:** فعلی است که بر زمان گذشته دلالت می کند.

**نکته ۱:** بیشتر فعل ها در زبان عربی ۳ حرف اصلی دارند که به این ۳ حرف اصلی ریشه (بن) فعل گفته می شود.

**نکته ۲:** همه فعل ها در زبان عربی ۱۴ صیغه دارند ولی در فارسی ۶ صیغه وجود دارد. این اختلاف به دلیل وجود مذکر و مؤنث بودن فعل ها و وجود مثنی در زبان عربی است.

مفرد				
ضمیر متصل	صیغه فعل	ضمیر منفصل	جنس	
رَبِّي	دَكَّرْتُ	أَنَا	مذکر و مؤنث	اول شخص
پروردگارم را	یاد کردم	من	ترجمه	
رَبِّكَ	دَكَّرْتَ	أَنْتَ	مذکر	دوم شخص
رَبِّكَ	دَكَّرْتِ	أَنْتِ	مؤنث	
پروردگارت را	یاد کردی	تو	ترجمه	
			مذکر	سوم شخص
			مؤنث	

-أَيْنَ ذَهَبْتَ يَا أُمَّ حَمِيدٍ؟

**ای مادر حمید، کجا رفتی؟**

-هَلِ اشْتَرَيْتِ شَيْئًا؟

**آیا چیزی خریدی؟**

-أَ ذَهَبْتَ وَحْدَكَ؟

**آیا تنهایی رفتی؟**

-كَيْفَ كَانَتْ قِيمَةُ الْمَلَابِسِ؛ رَخِيصَةً أَمْ غَالِيَةً؟

**قیمت لباس ها چطور بود؛ ارزان بود یا گران؟**

-فَلِمَاذَا اشْتَرَيْتِ؟

**پس چرا خریدی؟**

-مَاذَا اشْتَرَيْتِ؟

**چه چیزی خریدی؟**

-مَبْرُوكٌ؛ مَلَابِسٌ جَمِيلَةٌ! فِي أَمَانِ اللَّهِ.

**مبارک است؛ لباس های زیبایی است! خدا حافظ.**

-ذَهَبْتُ إِلَى سَوْقِ النَّجْفِ.

**به بازار نجف رفتم.**

-نَعَمْ؛ اشْتَرَيْتُ مَلَابِسَ نِسَائِيَّةً.

**بله؛ لباس های زنانه خریدم.**

- لا؛ ذَهَبْتُ مَعَ صَدِيقَاتِي.

**نه؛ با دوستانم رفتم.**

-مِثْلَ إِيرَانَ؛ لَا فَرْقَ؛ لَكِنْ اشْتَرَيْتُ.

**مانند ایران بود؛ هیچ فرقی ندارد؛ ولی خریدم.**

-اشْتَرَيْتُ لِلْهَدِيَّةِ.

**برای هدیه (دادن) خریدم.**

-فُسْتَانًا وَ عِبَاءَةً.

**پیراهن زنانه و جادر.**

-شُكْرًا جَزِيلًا؛ مَعَ السَّلَامَةِ.

**بسیار متشکرم؛ به سلامت.**

-أَيْنَ ذَهَبْتَ يَا أَبَا حَمِيدٍ؟

**ای پدر حمید، کجا رفتی؟**

-هَلِ اشْتَرَيْتِ شَيْئًا؟

**آیا چیزی خریدی؟**

-أَ ذَهَبْتَ وَحْدَكَ؟

**آیا تنهایی رفتی؟**

-كَيْفَ كَانَتْ قِيمَةُ الْمَلَابِسِ؛ رَخِيصَةً أَمْ غَالِيَةً؟

**قیمت لباس ها چطور بود؛ ارزان بود یا گران؟**

-فَلِمَاذَا اشْتَرَيْتِ؟

**پس چرا خریدی؟**

-مَاذَا اشْتَرَيْتِ؟

**چه چیزی خریدی؟**

-مَبْرُوكٌ؛ مَلَابِسٌ جَمِيلَةٌ! فِي أَمَانِ اللَّهِ.

**مبارک است؛ لباس های زیبایی است! خدا حافظ.**

-ذَهَبْتُ إِلَى سَوْقِ النَّجْفِ.

**به بازار نجف رفتم.**

-نَعَمْ؛ اشْتَرَيْتُ مَلَابِسَ نِسَائِيَّةً.

**بله؛ لباس های زنانه خریدم.**

- لا؛ ذَهَبْتُ مَعَ صَدِيقَاتِي.

**نه؛ با دوستانم رفتم.**

-مِثْلَ إِيرَانَ؛ لَا فَرْقَ؛ لَكِنْ اشْتَرَيْتُ.

**مانند ایران است؛ هیچ فرقی ندارد؛ ولی خریدم.**

-اشْتَرَيْتُ لِلْهَدِيَّةِ.

**برای هدیه (دادن) خریدم.**

-قَمِيصًا وَ سِرْوَالًا.

**پیراهن زنانه و جادر.**

-شُكْرًا جَزِيلًا؛ مَعَ السَّلَامَةِ.

**بسیار متشکرم؛ به سلامت.**



چه چیزی (چی) خواندی؟  
چند شعر خواندم.

چه چیزی خوردی؟  
(یک) سیب



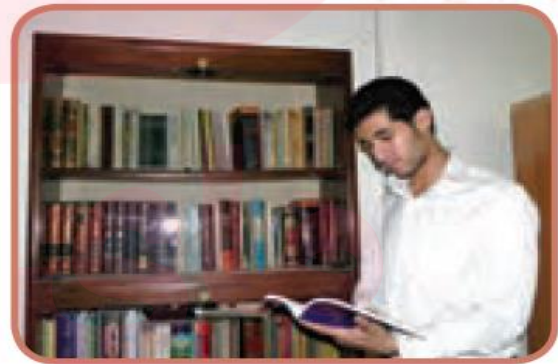
أنا رَفَعْتُ عَلَمَ إِيْرانِ.  
پرچم ایران را بالا بردم.



أنا كَتَبْتُ رِسَالَةً لَصَدِيقِي.  
من نامه ای به دوستم نوشتم.



أنتِ قَرَأْتِ كِتَابًا عِلْمِيًّا.  
تو کتاب علمی خواندی.



أنتِ أَخَذْتِ كِتَابًا مُفِيدًا.  
تو کتاب مفید (سود مندی) گرفتی.



الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: جمله های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل های ماضی خط بکشید.

۱- أَيُّهَا الْمُسَافِرُ أَذْهَبْتَ إِلَى الْفُنْدُقِ؟ - لا؛ ذَهَبْتُ إِلَى السُّوقِ.

ای مسافر، آیا به هتل رفتم؟ نه؛ به بازار رفتم.

۲- مَاذَا غَسَلْتَ؟ - غَسَلْتُ مَلَابِسِي وَ مَلَابِسَ أُسْرَتِي.

چه چیزی را شستیم؟ لباس هایم و لباس های خانواده ام را شستیم.

۳- مِنْ أَيْنَ أَخَذْتَ قَمِيصَكَ؟ - أَخَذْتُهُ مِنْ هُنَاكَ.

پیراهنت را از کجا گرفتم؟ آن را از آن جا گرفتم.

۴- مَاذَا اشْتَرَيْتَ؟ - اشْتَرَيْتُ فُسْتَانًا وَ عَبَاءَةً.

چه چیزی خریدی؟ یک پیراهن زنانه و چادر خریدم.

### التَّمْرِينُ الثَّانِي: گزینه درست را انتخاب کنید.

<input type="checkbox"/>	غَسَلْتُ	<input type="checkbox"/>	غَسَلْتُ
<input type="checkbox"/>	رَفَعْتُ	<input type="checkbox"/>	رَفَعْتُ
<input type="checkbox"/>	ذَكَرْتُ	<input type="checkbox"/>	ذَكَرْتُ
<input type="checkbox"/>	أَخَذْتُ	<input type="checkbox"/>	أَخَذْتُ
<input type="checkbox"/>	أَكَلْتُ	<input type="checkbox"/>	أَكَلْتُ

۱- أَنَا ..... مَلَابِسِي.

۲- أَنْتَ ..... الْعَلَمَ؟

۳- أَنْتِ ..... صَدِيقَتِكَ.

۴- أَنْتَ ..... هَدِيَّتِكَ؟

۵- كَمْ تُفَاحَةً أَكَلْتَ؟ ..... تُفَاحَتَيْنِ.

### التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: جدول را با کلمات داده شده کامل کنید؛ سپس رمز را بنویسید.

ذَكَرْتُ - أَرْضُ - غَسَلْتُ - تَفَاحٌ - رَفَعْتُ - جَدَّةٌ - قَمِيصٌ - عَبَاءَةٌ - رَخِيصٌ - رِسَالَةٌ - أَكَلْتُ - طُلَّابٌ - أَلْفَانِ

۱- دانشجویان ۲- دو هزار ۳- چادر ۴- نامه ۵- شستی ۶- بالابردم ۷- خوردم ۸- پیراهن

۹- سیب ۱۰- یاد کردم ۱۱- ارزان ۱۲- زمین ۱۳- مادر بزرگ

۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱		
ج	أ	ر	ذ	ك	ق	ك	ف	ر	غ	س	س	ع	ا	ط
د	ز	خ	ك	ث	ق	ك	ف	س	س	ع	ا	ع	ا	ط
ة	ض	ی	ز	ف	م	ن	غ	ل	ا	ب	ل	ب	ل	ط
		ص	ث	ا	ی	ث	ث	ت	ل	ا	ف	ا	ل	ل
				ح	ص				ة	ا	ا	ا	ا	ا
										ة	ا	ا	ا	ا
										ة	ن	ن	ن	ن

رمز جدول: طَلَّبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ. (خواستن علو واجب دینی است).